



لب‌هایش

○ مرضیه همایونی

قنوت دستش که جدا شد

آب؛

سیلی شد و خورد به صورت رود

حال ساهاست آب

حسرت به دل لب‌هایش مانده!!!



چه ساده

☞ ساره غلامان

چه ساده

از کنارم می‌گذری

و یاد خاطره‌ها دوباره زنده می‌شود

سایه من اما

از سایه‌ی تو دور و جدا

□

سالها می‌گذرند

و من چشم انتظار

در برزخ خاطره‌ها

عقربه‌های زمان

توقف می‌کنند.

□

از کنارم می‌گذری

چه آرام

من آه و

تو بی‌خیال

و یاد و خاطره‌ات

همچون تار عنکبوت

کنج دلم

تار می‌تند.

مثنوی

◆ الهام شریفزاده

من اینجا ساکت و سردم، هوای ابری و شاید

حضور خالی و سنگینی وزنی که می‌باید

دروغم پر ز آهنگی که لبریز حضور تو

اشبم محتاج مینابی که آن هم با عبور تو...

صدایم را نمی‌فهمی میان این همه خواهش

صدایی که برای تو ندارد هیچ‌گاه ارزش

دلم می‌گیرد از حالا از آن فردای خاموشی

که می‌دانم پر از درد و سکوت است و فراموشی

هنوز هم می‌گیرم من از این دنیای پی‌در پی

خدایا نقش می‌بندم در این تکرارها تا کی؟



باران

☞ فاطمه دریایی

دیدمت زیر باران دیشب

با صدای قدم‌های شُرشر

گفته بودی که رنگین‌کمانی

روز زیبایی فردای شُرشر

آخرش من نمی‌فهمم این را

آسمان نگاهت چه رنگی است

راستی اشک باران تو را ریخت

یا تو بودی مصلا شُرشر

نیض من یخ، نه آتش گرفته

مرگ نباید که دردش گرفته

من کی بود کی بودم

زیر بن بست رگ‌های شُرشر

زیر باران مهتاب امشب

زایشی تازه در اتفاق است

رشد رؤیای خوابی خیالی

رقص آهنگ لالای شُرشر

داری آهسته می‌خندی بر من

توی باران شب‌های بهمن

بی‌خیال تمنای خورشید

تا ابد گور بابای شُرشر

آسمان خاطرات مرا شست

شاید اصلاً نبودى از اول

هر چه از خیس بودن نوشتی

پیش پای امضای شُرشر

باز فردا تو در آسمان باش

ابرنه، مثل رنگین‌کمان باش

شاید این رد پاها تو باشی

یا ببارد کسی جای شُرشر



دخترک و شاعر

● شیما شبیانی

ستاره به شعر و شب و شاعر و سکوت

می‌خندد

دخترک عاشقانه نشسته و شب را به سخره می‌گیرد

سکوت می‌شکند

و دست نیمه جان شاعر دم مرگ

برای نوشتن شعری عاشقانه می‌لرزد

و کاغذ سپید از پی هم

به سوی آسمان آبی می‌گشاید، پر

دخترک نشسته تا قصه ساز شود

و شاید از شراب عشق بی‌نیاز

دخترک فکر می‌کند:

عشق یعنی چه؟

- عشق می‌خندد

می‌داند که مثل همیشه بی‌مناست-

و دخترک که هنوز در پی معناست:

عشق یعنی چه؟

□ □ □

از آن طرف

از پس کوچه‌های شب زده

دستی دراز می‌شود

روز برمی‌آید

و نور

به تن یخ زده‌ی کوچه می‌پیچد

و دست مهربان کسی

دستان سرما زده‌ی دخترک را

در آغوش می‌گیرد

قلم می‌شکند

و شاعر

عاشق‌تر از همیشه می‌گشاید پر

تقدیم به روح خاله فریده مهربون

☞ هدی جوکار

تو جات بهتر از ماست بخواب توی قبرت-

- دور از خستگی‌ها، به قریون صبر!

به قریون دستات، دل مهربونت -

- دل مست غم‌ها، دل غرق خونت

بخواب دور از اینجا، دور از کینه و درد

دور از آدمای بد و وحشی و سرد

برو پیش اونکه می‌دونه کی هستی

می‌دونه تو رسم بدی رو شکستی

خدا خواست نباشی که راحت بخوابی

تو که بهترینی به پاک‌آبی

خدا دست عدله، نخواسته بمونی -

- که پیر شی با غم‌ها، آخه تو جوونی

تو حیفی نباید میون ما باشی

باید از بدی‌یه دنیا رها شی

هنوز پیش مای از اینجا نمی‌ری

عزیزم الهی که آرام بگیري



هرا صدا کن

○ هاجر سبکروح

مرا صدا کن تا وجودم سرشار از طنین دلنواز

صدایت شود.

مرا صدا کن تا لبریز شوم از ترنم آوایت

مرا صدا کن....

راستی تو از کدام کوچه گذر کرده‌ای که به هر

کجا سر می‌زنم بوی عطر تنت را مس می‌کنم؟

من این بوی دل انگیز را در هیچ گلی ندیده‌ام،

شاید تو شامه گلی از باغ بهشت باشی

که به من پیوستی

و شاید هم خودت از بهشتیان...

تولدت مبارک...

☞ عسل امیرزاده

باز تابستان شد و خورشید خانوم نگاه‌های آتین خود را کنارم

می‌کند. گویی می‌خواهد چیزی را یادآوری کند.

باز هم شهریور، عطر دست‌های تو را یاد دلم می‌آورد.

آری شهریور است، درست در چنین ماهی بود که خداوند، یکی از

فرشتگان خود را به زمین فرستاد و میعادگاه او را در قلب کسی ساخت که مطمئن بود هیچ

وقت آن میعادگاه از بین نخواهد رفت و اگر زمانی خواست از آنجا کوچ کند، میعادگاه

برای همیشه با خاطرات تلخ و شیرینش در قلب او باقی خواهد ماند و کسی را مهربان یا

صاحب آن میعادگاه نخواهد ساخت.

آن روز که نگاه تو با دلم پیمان صلح و دوستی بست، دانستم که تو همان فرشته‌ای که در

میعادگاه دلم هستی و خواهی ماند. چرا که باز هم ثانیه‌ها گذشتند و تقویم زندگی ورق

خورد تا باز هم شهریور را نمایان سازند و من نیز عاشقانه می‌گویم:

ای عاشق‌ترینم تولدت مبارک

منتظر آثار و مطالب شما هستیم

لطفاً جهت چاپ آثار در این صفحه، مطالب خود را با خط خوانا (ترجیحاً تایپ شده)، با ذکر نام و نام خانوادگی، سن و تلفن تماس در یک روی کاغذ نوشته و به دفتر روزنامه ارسال نمایید. ضمناً مطالب ارسالی، برگشت داده نمی‌شوند.

کارشناس سرویس ادبی - هنری: محمدعلی اصلاح‌پذیر

